

☆ ملا حضاتی درباره معضلات

////////////////////////////////////

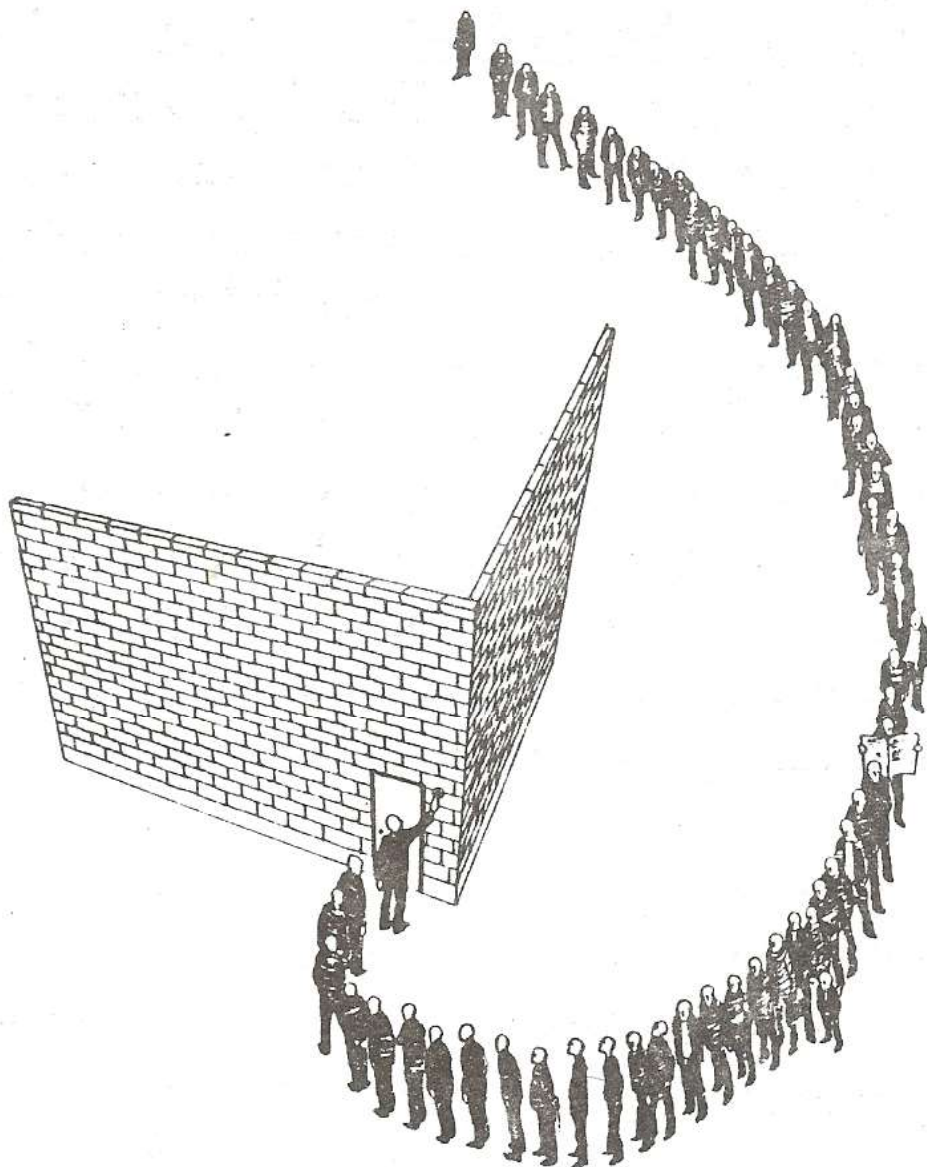
جنبش دانشجویی

////////////////////////////////////

و

سازمان

////////////////////////////////////



ملاحظات دربارهٔ معضلات جنبش دانشجویی و سازمان ما

XX

★ مدخل

در اواخر دوران سلطنت پهلوی، در پس‌انقلاباتی از پی کنگرهٔ هیجدهم کنگد راسیون جهانی، سازمانی تحت عنوان کنگد را - سیون پلاتفرم چپ تا سیس گردید. این سازمان که از بطن تناقضات موجود در کنگد راسیون سابق، بر مبنای پاسخ به ضروریات جنبش چپ خارج از کشور تشکیل گردیده بود، با کیفیت نوینی مبنی بر استقلال تشکیلاتی، نفی اتوریته (پشت جبهه، هواداری و...) و همچنین ضرورت طرح و تبلیغ مسائل و خواسته‌های بخش چپ و انقلابی جنبش، و مردود شمردن تمرکز بیش از حد قدرت در دوایر فوقانی تشکیلات و بسط و گسترش د مکرسی درون سازمانی، پایه‌ریزی گردید. (۱) با قبول و پذیرش این پلاتفرم سیاسی به‌همراه تعدیلاتی تشکیلاتی در جهت "سانترالیسم د مکراتیک"، واحدهای موجود در آمریکا نیز به کنگد راسیون پلاتفرم چپ ملحق شدند. (۲) این تشکیلات بصورت سرتاسری در خلال سالهای آخر سلطنت پهلوی تا قیام پرشکوه بهمن ماه، تحت پلاتفرم مشترکی به فعالیت‌های ضد رژیم - ضد امپریالیستی خود ادامه داد. در حین و پس از سرنگونی دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم شاه، اغلب اعضا و فعالین این سازمان جهت ادامهٔ مبارزات خود به ایران عزیمت نمودند.

با تشکیل جمهوری اسلامی، حاکمیت رژیم ولایت فقیه و اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی این ناجیان جدید نظم سرمایه‌داری، مقاومت و اعتراض نیروهای مرفعی و انقلابی داخل کشور نیز رو به اوج نهاد.

-
- ۱ - گزارشات و مصوبات کنفرانس عمومی... فرانکفورت ۷ - ۹/۴/۱۹۷۸
 - ۲ - گزارش و مصوبات سمینار مرکزی... هوستون ۱۲ - ۱۴/۷/۱۹۷۸

دفاع و حراست از دستاوردهای انقلاب، مقتضیات مبارزه و افشاگری از رژیم ضد انقلابی در عرصه های بین المللی، سازماندهی مجدد فعالیت های خارج از کشور را به ضرورتی عینی مبدل ساخته بود.
بدین منظور، گروه های وابسته به پلاتفرم چپ نیز همانند سایر جریان های مترقی خارج از کشور، شکل مجدد سازمان را در دستور مبارزاتی خود قرار دادند.

پس از نشست های اروپا، رفقای سابقاً متشکل در کفدراسیون پلاتفرم چپ (بخش اروپا) بر این اعتقاد شدند که سازمان پلاتفرم چپ، جایگاه خود را به نفع ضرورت هواداری از سازمان وحدت کمونیستی از دست داده است. بر این مبنا، این رفقا سازمان هوادار س. و. ک. را در اروپا تشکیل میدهند (۳). در آمریکا، طی نشست هایی که در آتلانتا (۴) و لوس آنجلس (۵) انجام گرفت، ضرورت سازماندهی مجدد و سرتاسری فعالیت های پلاتفرم چپ تأکید گردید. سرانجام در شورای عالی آمریکا نظریه هواداری پیشنهاد شده توسط رفقای اروپا، مردود اعلام شده و مصوباتی سیاسی-تشکیلاتی جهت هماهنگ کردن فعالیت های واحد های پلاتفرم چپ در آمریکا، فرمولبندی شد (۶).

۳ - در مورد کوشش های آغازین این رفقا، رجوع کنید به طرح پیش نهادی هواداران س. و. ک. در استکهلم سوئد در تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۰.

۴ - نشست نمایندگان تشکلهای باقیمانده پلاتفرم چپ، آتلانتا - جورجیا، شهریور ۱۳۵۸.

۵ - سمینار سراسری واحد های پلاتفرم چپ، لوس آنجلس - کالیفرنیا در تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۰.

۶ - رجوع کنید به مصوبات شورای عالی سازمانهای دانشجویی پلاتفرم چپ در آمریکا - نیویورک آگوست ۱۹۸۰.

مصوبات مذکور بعنوان دستاورد این شورای عالی و بمثابة حلقهٔ
 رابطی، کلیهٔ واحدهای پلاتفرم چپ در آمریکا را به هم متصل مینمود.
 با این وجود، این مصوبات نکاتی را ناروشن و مبهم در خود باقی
 نهاده بود. علیرغم نفی مسئلهٔ هواداری که از جانب اکثریت قریب
 به اتفاق نمایندگان واحدها انجام گرفت، (اگرچه که این نفی خود
 مبانی نظری همگونی نداشت) هیچگونه قطعنامه ای در این مورد
 به تصویب نرسید. در مورد ماهیت و عنوان سازمان نیز این مصوبات
 پاسخی را ارائه نمی نمود. مسائلی از قبیل د مکراتیک بودن آن،
 "د مکراتیک نظری" بودن و یا سوسیالیستی و ... همگی در مصو-
 بات مسکوت گزارد شده بودند. و بالاخره، در مورد استراکتور و
 ساختار تشکیلاتی نیز مصوبات فوق الذکر، طرح مشخصی را جمع بندی
 ننموده و تنها به بیان برخی از اصلها و بندهای موقتی در مورد
 پیشبرد امورات روزمره تشکیلاتی اکتفا مینمود. اما بدانگونه که خواهیم
 دید، این مسائل در عدم فعالیت هماهنگ مبارزاتی و تجانس نظری
 مابین واحدهای مختلف سازمان ما، نقش بسزائی را بر عهده داشته اند.
 هیئت مسئولین موقت شورای عالی که با وظایف مشخص در ارتباط
 قرار دادن واحدها در آمریکا و تماس با اروپا و تدارک برگزاری کنگرهٔ
 سراسری فدراسیون آمریکا (۷) انتخاب شده بودند، بعلت اشکا -
 لات و ناروشنیهای موجود، قادر به امر پیشبرد مسئولیتهای خود
 نگردیدند. سرانجام با تشکیل مجمع عمومی سازمان در اواخر دسامبر
 سال بعد، این مجموعه با بازاری از نظریات متنوع و گوناگون روبرو
 می گردد. (۸)

۷ - ر. ک. به مصوبات شورای عالی، نیویورک آگوست ۱۹۸۰

۸ - مجمع عمومی واحدهای پلاتفرم چپ، آتلانتا، ژانویه ۱۹۸۲

نظر هر واحد سازمانی بندرت به دیگری شباهت داشته و حتی بعضی نیز در درون خود به نظریاتی متعدد تقسیم شده بودند . بطور کلی ، در مورد شکل و ماهیت سازمان ، اعلام مواضع بدین ترتیب بود : بخشی از رفقا خواهان يك ليك سراسری بسیار عام و دمکراتیک بوده که مواضع و اصول خاصی را نیز در بر نداشته باشد ؛ بخشی دیگر از نمایندگان واحدها ، بر نظریه هواداری از س. و. ک. اصرار میورزیدند ؛ طیفی از رفقا ضرورت سازمانی با اصول کاملاً دمکراتیک و عام را عنوان نموده و بر حذف و زدودن اصلها و بندهائی از مصوبات که جنبه "ایدئولوژیک - طبقاتی" داشته پای میفشردند ؛ و بالاخره ، واحدهائی به مصوباتی با اصول سوسیالیستی معتقد بوده و برخی نیز به همان حدود مصوبات شورای عالی نیویورک ، به انضمام پارهای اصلاحات جزئی ، قانع شده بودند (۹) . بهر حال ، پس از سه روز ، مجمع عمومی عدم توانائی خود را در جمعبندی از نظریات فوق اعلام نمود . واحدهای مختلف بخاطر تحصیل زمان مکی جهت ارائه کاملتر نظرات خود در نشستهای آتی و همچنین وجود حداقل زمینه فعالیت مشترک سرتاسری ، بر روی مصوبات قبلی مصالحه کردند . بر این مبنا ، انتشار نشریه‌های سراسری مورد توافق قرار گرفته و هیئت "مسئولین موقتی" نیز مجدداً انتخاب گردید .

هم اکنون ، بیش از یکسال است که از آخرین گرد هم آئی و تبادل نظر سراسری بین واحدهای پلاتفرم چپ سپری میشود . در این یکسال ، نه تنها بر ارتباطات مابین واحدهای مختلف این مجموعه افزوده نشده ، بلکه صرف نظر از کوششهای پراکنده ، هیچگونه بحث و تحلیلی از مشکلات آخرین مجمع عمومی نیز بعمل نیامده است (۱۰) . جنبش

۹ - در این مورد ر. ک. به طرح پیشنهادی برای پلاتفرم چپ جنوب کالیفرنیا شماره ۱ زمستان ۱۹۸۱ .

انقلابی ایران در طی یکسال گذشته در تلاطمی روزمره دست و پا زده و تلاشی و پراکنده شدن سازمانهای آن، همه جا گستر شده است. سازمانهایی نظیر سچخفا (اقلیت)، پیکار، رزمندگان و ... ، تجزیه شدند. نشریات بسیاری از سازمانها متوقف شده و در همین رابطه، نشریه "رهائی" نیز بیش از یکسال از انتشار باز ایستاد. در این میان بسیاری از سازمانهای هوادار در خارج کشور، با بحران هویت و سردرگمی سیاسی مواجه بودند؛ و در این رابطه، برخی، اشکالات پینشی، هواداری بی چون و چرا و فتیشیسم سازمانی خود را به انتقاد کشیده اند (۱۱). در یکچنین شرایطی، وظیفه دوباره سازماندهی فعالیتهای مشترک واحدهای پلاتفرم چپ، تحلیل و برخورد به مواضع گذشته و تنظیم اصول حاکم بر این مقطع از مبارزات سازمان، ضرورتی د و چندان یافته است.

ما با یکچنین برداشتی است که سعی در برخورد به نکات اساسی اختلاف نظر در مجمع عمومی گذشته نمودیم. بنظر ما، اختلافات عمده این مجموعه، در سه زمینه زیر قابل برخورد و بررسی میباشند:

الف) مسئله لزوم و یا عدم لزوم پیروی و وابستگی تمام عیار از سازمانی سیاسی تحت عنوان هواداری؛ ب) قائل شدن ماهیتی د مکراتیک با اصولی عام و "تمام خلقی" و یا سمتگیری مشخص سیاسی در جهت منافع یک طبقه معین اجتماعی؛ ج) چگونگی ساختار تشکیلاتی که متضمن حفظ و گسترش د مکراسی درون سازمانی بوده باشد. در اینجا در بخش بعدی نوشته حاضر، ما به توضیح و روشن کردن برداشتهای خود از د و مبحث مطروحه فوق مبادرت خواهیم نمود.

۱۰. — در اینجا لازم است که به پلاتفرم پیشنهادی مندرج در گاهنامه شماره ۱ واحدهای پلاتفرم چپ باختیر میانه اشاره کنیم. این پیشنهاد، علیرغم عدم برخورد مشخص به مواضع مطروحه در مجمع عمومی گذشته، حاکی از فعالیتهای منطقه‌ای و بسیار مثبت رفقا میباشد.

۱۱. — ر.ک. به اعلامیه انحلال سازمان دانشجویان هوادار پیکار در برکلی - کالیفرنیا.

* بحث مربوط به قسمت ج به نوشته دیگری موکول شده است.

★ (الف) سازمان هوادار ویا ؟؟؟؟ *****

شکل گیری آحاد مبارزه طبقاتی در دنیا و درون جامعه ما
ضرورت های نوینی در تعمیق بخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی -
ضد سرمایه داری جنبش می آفرینند . تسریع در پروسه رشد سهت
گیری و صف بندی نیروها، مستلزم تدقیق محتوای مبارزاتی گذشته
نیروهای انقلابی بطور اعم و جنبش خارج از کشور به طور اخص
می باشد . اصول مبارزاتی مورد نظر همواره میبایست از کانال های
ذیل مورد ارزیابی قرار گیرند :

- الف - دید از حرکت و انباشت سرمایه در جهان و جامعه ما .
- ب - تمیز محدوده انکشاف مبارزاتی زحمتکشان و راء سا پرولتاریا
و نیروهای انقلابی در ارتباط ارگانیک بایکدیگر؛ بطور
خلاصه تشخیص و ارزیابی از جنبش های سازمان یافته .
- ج - تعیین جایگاه نیروهای انقلابی و مترقی و متقابلا مختصات
وجودی دولت .
- د - وظایف نیروهای انقلابی در قبال بررسی از اصول فوق الذکر .
- ه - وظایف جنبش خارج از کشور (دانشجویی و بخش های غیر
دانشجویی) در قبال این مبارزات .

تاریخ جوامع مختلف بخوبی خاطر نشان میسازد که هرگاه یکی
از شقوق نامبرده از بندهای الف و ب و ج بنوعی دستخوش تحو-
لات سریع تاریخی قرار میگیرند، وظایف نیروهای انقلابی در
قبال بررسی این وقایع - بند د - دشوارتر میگردند .
در مورد بخصوص تاریخ کشور خودمان این دشواریها در شقوق
زیادی سپرد رخ مبارزه انداخته و سینه برهنه در مقابل شمشیر
برا میساید و جای پا در باتلاق ابهام میگشاید . به معنی روشن-
تر، بخشهای زیادی از نیروهای مبارز انعکاس بلا واسطه وقایع در
سطح جهان و جامعه ما را در ارزیابی سازمانهای انقلابی و
مترقی ایران جستجو کرده و بایک اعتماد خالصانه و در بسیاری

از موارد جاهلانه عنان ضمیر خلاق را بدست عصیان دوست میسپارند.
 از نظر ما انقلاب سیاسی بهمن ۵۷ تجلی آغاز مربع سیر
 وقایع در جامعه ما میباشد. در گذار از پروسه سیر این وقایع سریع
 تاریخی بعد از قیام، علیرغم تعمیق مبارزه زحمتکشان، علیرغم وجود
 طیف بندی نوین نیروهای انقلابی و تحولات سیاسی اخیر و ضربه
 خوربهای متعدد چپ از جانب رژیم جمهوری اسلامی و رشد بلا -
 انقطاع نارضایتی اکثر توده های محروم، هنوز در شرایطی بسر
 می بریم که هیچکدام از نیروهای چپ حتی مدعی برقراری نوعی
 پیوند ارگانیك با زحمتکشان و بالاخص پرولتاریای ایران نشده اند.
 اتفاقاً طرح شعارهای کاذب و راستین این نیروها مبنی بر اتحاد
 عملی چپ، "پیوند چپ" و "بدیل چپ" و ... صرفاً و صرفاً مؤید
 عدم وجود این ادعا - پیوند ارگانیك با زحمتکشان - است.

در چنین فضائی که گاه آمیخته با یاس و ناامیدی میشود،
 ما با خیل عظیمی از نیروهای مواجهیم که یا در بخشهای هوادار
 سازمانهای انقلابی و یا مبلغ هواداری از سازمانهای مرفی و چپ
 میباشند. به نظر ما بررسی موقعیت بخشهای هوادار و تنوع در
 طرح مسئله هواداری سر در گرو بررسی از موقعیت سازمانهای انقلابی
 بی و چپ دارد؛ لذا سعی می کنیم در حد امکان به تنوع طرح این
 نکات توسط نیروهای هوادار بپردازیم.

گروه الف - این نیروها مساله هواداری را از سازمانهای مادر،
 در حفظ چهارچوب سیاسی - تشکیلاتی مستقل خود
 پیشنهاد میکنند؛

وجود هواداران در گرویدن آتی آنها به سازمانهای
 مادر مفهوم میباشد. چه که در شرایط بخصوصی از
 تاریخ به علت وجود خفقان و سرکوب ضدد -

انقلاب و جنینی بودن سازمانها و در عین حال ضرورت حفظ کادرهای سازمان، عدم آمادگی ارگانهای هوادار جهت گرویدن به سازمانهای انقلابی، عدم آمادگی تشکیلاتی سازمانهای مادر جهت عضوگیری و ... همه و همه گویای موقتی بودن خصلت وجودی ارگانهای هوادار می باشد. ازین رو حفظ نوعی استقلال سیاسی و تشکیلاتی در این ارگانها اساسا در تناقض با خصلت موقتی آنها قرار می گیرد.

گروه ب - بخشهایی از ارگانهای هوادار طالب مساله هواداری در چهارچوبی دموکراتیک میباشند؛ این گروه چهارچوب دموکراتیک را در وجود نوعی سازمان معرفی کرده و خواهان برقراری "سازمان دموکراتیک هوادار" میباشند. باید مطرح کرد که محتوای دموکراتیک مورد نظر صرفا محدود به روابط درون سازمانی و نوع شرکت اعضا در قبال اتخاذ مواضع میگردد. این خصلت - دموکراتیک - میبایست مستقیما اعضا خود را در تعیین مواضع و مفاد منشور سازمانی شرکت دهد. چون برقراری و یا احتمال وجود یک انسجام فکری مابین اعضای سازمان بصورت متداوم، همواره امری بدیع و گاهی محال میباشد، از این رو انتقال اتوماتیک مواضع سازمان مادر و پذیرش این مواضع از جانب ارگانهای هوادار از طریق همه اعضا بطور یکسان انجام نگرفته و فقط بخش رهبری را مستقیما در برخورد به آنها قرار می دهد. یعنی به بیان دیگر عدم وجود تساوی فکری باعث جلوگیری از دخالت پایه سازمان هوادار در تصویب مواضع انتقالی از سازمانهای مادر، میشود که این امر مخدوش کننده خصلت دموکراتیک سازمان هوادار مورد بحث است.

گروه ج - این گروه مسئله هواداری را همراه با حفظ " اصل انتقاد " از سازمانهای مادر تبلیغ میکند و حفظ چهارچوب خود را در ارتباطی یکجانبه با سازمان میدانند ؛ پاسخ به ادامه راه گروه الف و ب از پاسخ به گروه ج در مورد برقراری این ارگانها منفک نمیشد . در جواب این رفقا که عمدتاً تمایلات هوستیایی خود را همگام با حفظ اقتدار کاذب از قبیل " اصل انتقاد "، " ارضا " میکنند - نکات زیر را مطرح میکنیم :

- ۱- بیرون راندن بخش عظیمی از اعضا هنگام تصمیم گیری در قبول نظریات سازمان مادر .
- ۲- صرف نیروی قابل ملاحظه ای در خدمت توجیه تئوریک مواضع سازمان مادر .
- ۳- نابود کردن روح استقلال و خلاقیت اعضا در دید از چگونگی معضلات جنبش و نه لزوماً محدود کردن شناخت از آنان به دید سازمانهای مادر .
- ۴- به مسلخ کشانیدن نیروهای اعضا ارگانهای تغذیه کننده " هوادار به محضر ضربه خوری سازمانهای مادر و یا هر علت داخلی و یا خارجی دیگر .
- ۵- برقراری نوعی تکلیف شرعی جهت تبلیغ تئوریک از سازمانهای مادر و متعاقباً برقراری تکلیف شرعی جهت بروز گرایشات سکنا رستی .

گروه د - بخشهایی که مبلغ ارگانهای هوادار در ارتباط ارگانیک با سازمانهای انقلابی هستند ؛ این رفقا همانقدر وجود نظریات سازمانهای مادر را در قبال رشد خود و جنبش ملزم میدانند که نظریات خود را مکی . ولی ، معذالک خواستنها و تمایلات ، لزوماً با صرف شناخت از جوهر وجودی

این ارگانها در ارتباط ارگانیک با سازمانهای مادر، اغنا
نی شوند. چه که:

- ۱- سیر حوادث در سالهای اخیر بصورت لاینقطع درآمده
و با دید عینی از مشکلات جنبش بوضوح شاهدیم که
تعقیب آنها حتی برای سازمانهای انقلابی دشوار میباشد.
- ۲- سرعت تحولات اخیر، چپ و سازمانهای مرفی را در
مقاطع ملزم به ارائه بدیلهای متفاوت در لحظه میکند،
و سازمانهای مادر در قبال ارائه تحلیلهای موزون و عملی
قادر به ایجاد تماس سریع با ارگانهای هوادار نمیشوند.
و فرضا اگر چنین چیزی صورت گیرد، در این حالت قادر
به وصول جوابی سریع از هواداران نخواهند بود.

ما در اینجا با سئوالی کلی و بزرگ روبرو میشویم و آن اینکه:
بطور کلی ما هواداری از سازمانهای انقلابی را چگونه ارزیابی
میکیم؟

همانطوریکه در ابتدای این نوشته مطرح کردیم ما مسئله هواداری
و ضرورت وجودی آنها در ارتباط لاینفک از موقعیت چپ و سازمان
های مرفی می سنجم. در این لحظه در مقابل سئوال دیگری
قرار میگیریم که: "در شرایطی که بحران فزاینده سیاسی و اقتصادی-
دی گریبان رژیم جمهوری اسلامی را میفشرد و
در عین حال در شرایطی که جنگ خانمان بر
انداز ایران و عراق بمشابه یک عامل توده فریب،
هردم این بحسran را در گوشت و پوست زحمتکشان
عمق میدهد؛ و هنگامیکه سرکوب و اختناق بیسابقه
میروند تا هر صدای آزادخواهی را در نفس گاه
فرو نشاند، چگونه سازمانهای انقلابی به تنهایی
و پیگیرانه میتوانند مبلغ آرمانهای خود باشند؟"

ما در جواب هر دو سؤال فوق نکات زیر را اجمالاً طرح میکنیم:
از نظر ما:

الف) تبلیغ و دفاع پیگیرانه در جهت ارتقاء کمی و کیفی جنبش از نیروهای انقلابی، بالطبع پشتیبانی از نیروهای است که رشد سیاسی، سازمانی و گروهی خود را در ارتباط ارگانیک با رشد سیاسی جنبش ارزیابی کنند.

ب) مجدداً تبلیغ و دفاع پیگیرانه از نیروهای مورد نظر است که ضعف ایدئولوژیک و فقر فکری خود را در عارضه عقب ماندگی پرولتاریا و یا زحمتکشان بطور اعم، جستجو نکنند.

ج) بالاخره حمایت کامل از نیروهای لازم است که فتح آتی خود را در برقراری وزنای اجتماعی که قادر به تغییر معادلات سیاسی - اقتصادی روز است، ارزیابی میکنند.

ما از بیان سه مطلب اجمالی فوق استنتاج میکنیم که نیروی که بتواند نهضتی در راستای منافع پرولتاریا، در ارتقاء کیفی و کمی خود و جنبش تشکیل دهد؛ نهضتی که قابلیت برقراری وزنای اجتماعی را داشته باشد؛ نهضتی است که نطفه اش تلاشهای متحدانه امروزی چپ را تشکیل میدهد.

نگاهی به تاریخ گذشته کشورمان نشان میدهد که چگونه تنشهای فرقه‌ای، خود مرکزینی، التقاطی، خود برترینی و... و دهها و صدها نمونه دیگر از این انحرافات هر یک در تاریخ جنبش به انحای مختلف مکرراً ایفای نقش کرده و میکنند. این انحرافات در تاریخ جنبش زحمتکشان جامعه ما، امروزه از محدوده تراژدی خود نیز پافرا تر گذارد مانند.

کودتای درون سازمانی مجاهدین "مارکسیست" (۱۳۵۴)؛

گروه منشعب از سازمان چریکهای فدائی خلق - گرایش به حزب

توده (۱۳۵۶) پشتیبانی جناح اکثریت از حاکمیت و متعاقباً

انشعاب درون سازمانی، سازمان چریکهای فدائی خلق (۱۳۵۸)؛

فرار رجوی و بنی صدر به پاریس (۱۳۶۰)، سازش بخشی از رهبری
 پیکار و در ادامه آن طیفهای سه گانه اخیر (۱۳۶۱) و
 همگی از انواع نمونه‌هایی هستند که در مقاطع تاریخی خودشان
 مدتها بخشهای هوادار را به توجیه و سردرگمی و در ابعاد نسبتاً
 زیادی به سرخوردگی و انفعال کشاند مانند و خلاصه کلام، از کوزه
 همان تراود که در اوست. ما موگدا اعلام میداریم؛
 در شرایطی که سازمانهای انقلابی هیچ ارتباط ارگانیکی با پرولتا-
 رها و من حیث المجموع با زحمتکشان ندارند، انحرافات فوق‌الذکر
 هر از چند گاه از قبل منازعات درونی روشنفکران خورده بورژوازی
 درون سازمانهای انقلابی، مستقل از مبارزه پرولتاریا شکل می-
 گیرند و به صورت تئوریهایی مدون به درون بخشهای هوادار گسیل
 می‌شوند. از این رو انحرافات سیاسی در چهارچوب تشکیلاتی
 ارگانهای هوادار بالقوه و نه لزوماً بالفعل مستتر است.
 ما معتقدیم در شرایطی که واقعیات سخت‌زمینی حاصل از
 فقدان بدیل چپ‌تاسف می‌آفرینند، معاذیر مختلف در مورد
 مسئله "هواداری" بی‌وجه‌تر می‌گردند.



☆ ب - سازمان د مكراتيك* و يا ۰۰۰ ؟

تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور مبین این واقعیت است که کفدراسیون از همان اوان تاسیس خود به عنوان تشکل ضد رژیم - ضد امپریالیستی ایرانیان مقیم خارج از کشور، فعالیت اصلی خود را معطوف افشای رژیم حاکم بر ایران و سلطه امپریالیسم جهانی نموده و هرگز مبارزات خود را به مثابه سازمانی صنفی - دانشجویی، در محدوده خواستهای صنفی و د مكراتيك عناصر دانشجو، محصور ننمود. کفدراسیون در ابتدا سخنگوی علنی خواسته های عمومی جنبش در خارج از کشور بوده که همپای رشد و تعمیق مبارزات داخل کشور و تأثیر پذیری از جنبش بین المللی، به تدقیق و ارتقاء مواضع خود می - پرداخت. از طرف دیگر، سازمانهای سیاسی - طبقاتی، چه در نحوه تشکیل و چه در پروسه فعالیت های مبارزاتی کفدراسیون، نقشی اساسی ایفا کرده و از این طریق تحلیلهای مشخص خود از بافت اقتصادی - اجتماعی ایران، نیروهای انقلابی، مرحله انقلاب و ۰۰۰ را در مواضع آن ادغام می نمودند. اطلاق عنوان د مكراتيك به صفت های کفدراسیون نیز از جمله این موارد بوده که با تفوق گرایشات پوپولیستی در مورد جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره (بعداً سرمایه داری وابسته) و انقلاب د مكراتيك چهار طبقه خلق، (بعداً سه و دو طبقه) و "جبهه د مكراتيك خلق"، و در نظر گرفتن کفدراسیون به مثابه تبلور چنین جبهه ای در خارج از کشور، قرابت و همسوئی کامل داشته است.

* لازم به تذکر است که مسئله مورد برخورد در این نوشته روابط د مكراتيك درون تشکیلاتی - سازمانی نبوده، (امریکه خود موضوع اساسی جداگانه ایست) بلکه ماهیت سیاسی آنها بوده که در اینجا مورد بحث واقع شده است.

در سالهای اخیر همراه با تغییر و تحولات اجتماعی، رشد مبارزه طبقاتی و نتایج حاصله آن، بر مبنای تناقضات موجود، انشعابات مکرری در کفد راسیون واحد گذشته بوقوع پیوسته و این سازمان را به عناصر متشکله آن تجزیه نموده است. با قیام بهمن ماه و حاکمیت اسلامیون مرتجع بر جامعه، تشکلات مختلف در خارج از کشوریکی پس از دیگری بعنوان هوادار سازمانهای مختلف جنبش، اعلام موجودیت کردند. همراه با تشکیل سازمان پلاتفرم چپ بمشابه سازمانی مستقل، موضع مربوط به ماهیت سیاسی این سازمان نیز همواره مورد بحث بوده است. در دو - سه سال اخیر، در تعاقب اقدامات عمیقاً ضد د مکراتیک رژیم حاکم، گرایشاتی در درون این سازمان همراه با بر شماری ضرورتهای مبارزه د مکراتیک، تبدیل سازمان پلاتفرم چپ به سازمانی با اصول د مکراتیک و عام راتوصیه کرده اند. از اینرو، در این بخش، اجمالاً به پاره ای از نکات در مورد سازمان د مکراتیک اشاره خواهیم نمود.

بطور کلی، د مکراسی، بمعنای شکلی از دولت و یا روی دیگر دیکتاتوری بوده که برای هر طبقهای شکل و محتوای خاص خود را می یابد. د مکراسی بورژوازی - د مکراسی برای توانگران، د مکراسی برای اقلیت - بمعنی آزاد بودن سرمایه داران برای سرکوب و استثمار پرولتاریا و سایر زحمتکشان میباشد. از طرف دیگر تحت مناسبات سوسیالیستی - د مکراسی پرولتاریا - د مکراسی برای اکثریت جامعه و دیکتاتوری بر اقلیت استثمارگران خواهد بود. لازم به توضیح است که تنها زمانی میتوان از د مکراسی واقعی سخن بمیان آورد که دیگر د مکراسی همگام با دولت مفهوم خود را از دست داده باشد. از آنجا که د مکراسی مفهومی طبقاتی داشته، با از بین رفتن طبقات دولت نیز بمشابه ابزار سرکوب طبقاتی زوال خواهد یافت؛ از اینرو د مکراسی نیز از مفهوم واقعی خود تهی میگردد.

سازمانهای انقلابی د مكراتيك ، با خواست سرنگونی مناسبات
 ماقبل سرمایه داری و دولت مدافع آن ، عمدتاً در پروسه انقلابات
 بورژوا - د مكراتيك بوجود آمدند . محتوای خواسته های این سا-
 زمانها ، در چهارچوب نفی قدرت سیاسی و روابط فئودالیتة مفهوم
 داشته که با حاکمیت مناسبات بورژوازی ، ضرورت های وجودی خود
 را از دست می دادند . و اما ، تحت مناسبات بورژوازی نیز بنا بر
 اصل عدم برابری اقتصادی - اجتماعی ، نهفته در روابط و قانونمندی -
 های آن ، خواسته ها و از اینرو مبارزات د مكراتيك گروههای مختلف
 اجتماعی تا تحقق خواسته هایشان استمرار یافته و باز تولید میشوند .
 تحت يك ، دو ، و یا گروهی از این خواسته ها ، تشکلات و سازمانهای
 د مكراتيك بوجود آمده که مبارزات گروههای ذینفع در آنرا رهبری
 می نمایند . این مبارزات بر حسب موقعیت نیروهای درگیر ، وضع
 قوانین موجود ، شدت برخورد های حاصله و ... - از اشکال مسالمت
 آمیز گرفته تا نبرد قهرآمیز و جنگ مسلحانه ، از تصویب فلان بند و
 لایحه قانونی گرفته تا سرنگونی کابینه دولتی ، و حتی خلع ید از
 بخشهایی از طبقه حاکمه - به پیش خواهد رفت . در جوامع حاضر
 تا آنجا که این مبارزات در چهارچوب روابط تولیدی موجود انجام
 پذیرد ، مبارزه های د مكراتيك بوده و از محدوده رفم و اصلاحاتی در
 مناسبات سرمایه داری فراتر نخواهد رفت (اگرچه که این رفرها نیز
 در بسیاری موارد ، در مقایسه با مجموعه دستاوردهای اجتماعی این
 مناسبات ، عقب مانده تر بوده باشند !) . تنها آن مبارزه های که در
 راستای تغیر بنیادی در مناسبات تولیدی موجود (سرمایه داری) ،
 و در جهت سوسیالیسزه کردن روابط اجتماعی و تدارك پیش شرطها
 ضروری آن انجام پذیرد ، از محدوده بورژوا د مكراتيك فراتر رفته و
 انقلابی اطلاق می گردد .

شرایط مبارزاتی جامعه ما نیز از قانونمندیهای کلی فوق
 مجزا نمیشد . در اینجا نه ایجاد حد فاصلهای مکانیکی و اتزسیم

دیوار چین مابین این دو نوع مبارزه، بلکه تفکیک محدوده های هر يك و استنتاجات عملی - سازمانی آن مورد نظر بوده است. وظیفه اولیه نیروهای معتقد به سوسیالیسم علمی، نه انحلال خود در سیال مبارزات عمومی د مکراتیک، بلکه کوشش جهت ایجاد تشکلات مختص به تفکر طبقاتی خود، تدقیق موازین آن، و مساعی جهت نزدیکتر کردن نیروهای مختلف جنبش انقلابی و ایجاد صف مستقل چپ باشد. ارائه و طرح خواسته های بنیادی طبقه کارگر، همراه با دامن زدن به مبارزه طبقاتی، مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک با بدیل های رفرمیستی و خوردن بورژوازی، و شرکت در مبارزه عمومی بر علیه رژیم حاکم در کنار حفظ هویت مستقل طبقاتی، تنها ضامن پیش رفت موقعیت چپ در انقلاب محتمل آینده خواهد بود. هر گونه اهمال در درک وظایف سیاسی - سازمانی این مقطع از جنبش - انحلال طلبی و دامن زدن به توهمات بورژوا د مکراتیک - نتیجه ای بجز تقویت آلترناتیوهای بورژوازی به همراه نداشته و دیگر بار جامعه ما را در زیر یوق یک تازیهای وابستگان تازه نفستر سرمایه داری ها خواهد نمود. تاریخ در جوامعی نظیر جامعه ما، حل انقلاب بسیاری از وظایف د مکراتیک را نه در کف ناتوان بورژوازی، بلکه بعنوان جزئی از وظائف انقلاب سوسیالیستی، پر عهده طبقه کارگر محمول نموده است.

محتوای خواسته های اپوزیسیون مرفی خارج از کشور نیز ملهم از تغییرات و گسترش مبارزه طبقاتی در درون کشور تعمیق یافته و همگام با آن رادیکالیزه می گردد. علیرغم ویژگیها و محدودیتهای مبارزه در خارج از کشور، تاریخچه مبارزات و مباحث درون کفد را - سیون، پذیرش شعارها و خواسته های طبقاتی، و تجزیه های مکرر در درون آن، خود گواهی بر این مدعا می باشند. سازمان ما پلاتفرم چپ نیز که بعنوان یکی از جریانات رادیکال، از کفد راسیون گذشته سر بر آورده بود، اصول حاکم بر مبارزات خود را متناسب با نظریات

بخشهای چپ و انقلابی جنبش تنظیم نمود . بر این مبنا ، اصل سرمایه داری بودن رژیم حاکم و تفکیک ناپذیری مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه ضد سرمایه داری ، به اصول فعالیت های ضد رژیم - ضد امپریالیستی این سازمان اضافه شدند . از طرف دیگر ، "سازش طبقاتی" که خود مبنای هر سازمان و جنبش دمکراتیک را تشکیل می دهد ، تقبیح شده و قطعنامه ای دال بر مطرد شدن مائو ایسم ، استالینیزم و ... پیشنهاد میگردد . از آنجا که این موضع جایی برای توجیه دمکراتیک بودن سازمان باقی نمی گذاشت ، متفقاً اعلام کردیم که این سازمان ، سازمانی است "دمکراتیک نظری" . پارادوکسی که خلط الکلیستی آن از "دمکراتیک اسلامی" کمربند بود !

و اما ، موضوع اصلی در این قضیه است که آیا می توان از عناصر معتقد به سوسیالیسم علمی انتظار داشت که خود تشکیل دهند سازمانی باشند که محدوده آن امکان ارائه و اعمال تحلیل ها و مواضع مشخصشان را از آنان سلب نموده باشد ؟ بنظر ما جواب منفی است . سازمانی دمکراتیک که مؤسسين و فعالين عمده آن از عناصر معتقد به سوسیالیسم علمی تشکیل شده و توسط نیروهای واقعی بورژوا - دمکرات ، هدایت و کنترل نشده باشد ، امکان حفظ ماهیت بورژوا - دمکراتیک خود را نخواهد داشت . ادامه تلاش بی حاصل در این مورد ، تنها ابقای تناقضات و تداوم توهمات گذشته خواهد بود . سازمانهای واقعی بورژوا - دمکراتیک را امروزه شاید بتوان (علیرغم تمامی محدودیت های تاریخی آنها) در غالب سازمانهای نظیر جبهه ملی و یا شورای ملی مقاومت توصیف نمود . سازمانهایی که محتوای آنها در بهترین حالت خود از محدوده روابط بورژوا - دمکراتیک فراتر نخواهد رفت (که البته نا محتمل بودن این نیز در شرایط جامعه ای نظیر جامعه ما خود موضوع بحث جداگانه ایست (۱) . مشکل بتوان کسانی را در سازمان ما سراغ

گرفت که خواهان تشکیل سازمانی با محتوای فوق بوده و یا در مبارزه قاطع علیه رژیم حاکم و امپریالیسم جهانی، یکچنین سازمانها بی را به عنوان محل مناسب این مهم، جدی تشخیص داده باشند.

اگر ما برخلاف جریانات ارتدوکس استالینیستی - که به هر امر دمکراتیک کینه می ورزند - معتقدیم که پایه های سوسیالیسم بر "رفیع ترین قله تمدن بورژوازی ((وایضا دمکراسی آن)) بنا خواهد یافت"، پس ضرورت وجود سامانه هایی که تلاشهایمان را در هر دو سطح بهم پیوسته این مبارزه واحد (دمکراتیک و سوسیالیستی) سازماندهی کند را نیز باید برسمیت بشناسیم. این سامانه ها بطبع از چهارچوب تنگ بورژوا - دمکراتیک فراتر بوده و بایستی که ظرفیت و گنجایش طرح مسائل و خواسته های بخش انقلابی و سوسیالیستی جامعه را در خود داشته باشد. در عین حال، در کنار این سامانه ها شرکت در مبارزات دمکراتیک - ایجاد کمیته هایی در مورد هر یک از خواسته های اصلی دمکراتیک (زنان، اقلیتهای ملی و مذهبی، زندانیان سیاسی و...) و همکاری با کمیته های مشابه و بسیج متنوعترین و مؤثرترین نیروها حول هر یک از این خواسته ها - از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. اشکال و چگونگی مبارزات این کمیته ها متناسب با شرائط فعالیت و موقعیت و ترکیب نیروهای درگیر در آن، معین خواهد شد.

در شرایطی که پس از تغییر رژیم سلطنتی، اغلب نماینده گان بورژوازی و خرده بورژوازی به دوایر حکومتی رانده شده و هنوز اساسی ترین خواسته های زحمتکشان پاسخ داده نشده اند؛ در شرایطی که بخشهای امتحان پس داده، ورشکسته و رانده شده از مدار قدرت دولتی، دیگر باره با عوام فریبی، شعارهای بظاهر دمکراتیک و موعظه وحدت تمام خلق، خود را بعنوان تنها آلترناتیو متمدنی به مردم جا زده اند؛ و بالاخره در شرائطی

که آشکاراً تحّول انقلابی جامعه و حتی پاسخ به بسیاری از مسائل دمکراتیک، در گرو انقلاب سوسیالیستی و بر عهدهٔ طبقهٔ کارگر و نیروهای مربوط به آن خواهد بود؛ آری در یک چنین شرایطی، تنزل محتوای تشکلات نیروهای چپ معتقد به سوسیالیسم علمی به محدوده‌های صرفاً دمکراتیک و عام، عقب‌گردی تاریخی نامتناسب و خسران بار خواهد بود.

